

بوریسی مسائل اسلامی

«۴»

# مهديویت

از نظر قرآن و عترت

مردانی

# مهدویت از نظر قرآن و عترت



تاریخ طبع ۱۴۰۵ هجری - پانزدهمین قرن هجرت

فرمایشی از امام مهدی (عج)

فَاَنَا بِحُطِّ عَلَيْنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا بَعْرُبِ  
عَنَّا شَيْءٍ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ

براستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد.

و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست.

بهار آذین ۵۳ ص ۱۷۵

سخنی از نایب الامام خمینی

شما الان وظیفه سنگینی دارید ، شما الان تحت نظر خدا و تحت نظر امام زمان سلام الله علیه هستید . ملائکه شما را مراقبت میکنند ، نامه اعمال شما را به امام زمان علیه السلام عرضه میدارند من امیدوارم که اسماء شما در دفتر امام زمان سلام الله علیه ثبت شود

□ از : آئین جعفری - تهران

□ حق چاپ محفوظ

□ چاپ اول

□ از : خیر الله مردانی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	۱ - امامت و اهمیت آن
۶	۲ - امامان بدستور خدا بمقام امامت میرسند
۹	۳ - اشتباهات نویسندگان در یاره تشیع و مهدویت
۱۲	۴ - حضرت ابراهیم (ع) و مهدویت
۱۳	۵ - کیفیت صلوات از دیدگاه پیغمبر بنقل از کتب اهل تسنن
۱۴	۶ - اسامی ائمه دوازده گانه را پیامبر نام میبرد
۱۶	۷ - مهدویت و بنیانگذاری فکر توحید
۱۸	۸ - تقاضای حضرت ابراهیم (ع) و بیان آیات مربوطه به مهدویت
۲۱	۹ - عالم ذر و اخذ پیمان الست
۲۲	۱۰ - قطعات کشتی نوح و نوشته های آن
۲۳	۱۱ - محققین خارجی و بررسی آثار تخته لوح
۲۵	۱۲ - نام پنج تن آل عبا در لوح بوده است
۲۶	۱۳ - مجلات و روزنامه هائی که جریان فوق را نوشته اند
۲۷	۱۴ - شیعه و اطاعت از خدا
۲۸	۱۵ - راه نجات امت اسلام
(عج)	۱۶ - آیات قرآن روایات تفسیر و تأویل آن در باره امام زمان (عج)
۳۰	بنا بنوشته اهل تسنن
۳۸	۱۷ - گفتار علمای بزرگ اهل تسنن در باره امام زمان (عج)

- ۱۸ - مسئله غیبت و تصریحات ائمه در این باره ۴۱
- ۱۹ - انتفاع ناس در زمان غیبت ۴۲
- ۲۰ - توفیق مبارک که حضرت ولی عصر (عج) ۴۴
- ۲۱ - وظیفه شیعه در زمان غیبت مراجعه به نواب عام است ۴۵
- ۲۲ - غیبت امام زمان در کتابهایی قبل از تولد آنحضرت ذکر شده ۴۶
- ۲۳ - خلاصه‌ای از زندگی نواب اربعه ۴۷
- ۲۴ - بعضی از علت‌های غیبت حضرت ولی عصر (عج) ۴۸
- ۲۵ - سید باب هم بوجود امام زمان اعتراف دارد ۵۱
- ۲۶ - نام اصلی امام زمان را بردن مانعی ندارد ۵۲
- ۲۷ - قیام بالسیف یعنی چه؟ ۵۳
- ۲۸ - طول عمر ۵۶
- ۲۹ - مسئله انتظار ۵۷
- ۳۰ - اشعار در باره حضرت مهدی (عج) ۵۸

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ۱- امامت و اهمیت آن

یکی از موضوعات بسیار مهم در اسلام مسئله رهبری امت یا ولایت است. در اسلام رهبری از شخص پیامبر آغاز گردیده و به ولی عصر خاتمه می‌یابد، در طول تاریخ اسلام مسئله امامت از چنان اهمیت خاصی برخوردار بوده که میبینیم پیامبر (ص) متذکر میگردد که:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ (۱)

یعنی: کسیکه بمیرد و امام زمان خود را نشناسد مرده است بمثل مردن مردمان زمان جاهلیت. در طول تاریخ زندگی پیامبر عظیم الشان مصائب و مشکلات فراوانی در مدت ۲۳ سال متحمل می‌گردند ولی میبینیم تکمیل رسالت را قرآن در گزینش امام متجلی میسازد و صریحاً به پیغمبر دستور میدهد.

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ. (۲)

ترجمه : ای پیامبر ابلاغ کن آنچه را که از جانب پروردگارت می باشد اگر ابلاغ نکنی رسالت را بکمال نرساندی و خداوند ترا از مردم حفظ خواهد کرد بدرستی که خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند .

### ۴- امامان بدستور خدا بمقام امامت میرسند

تأکید آیه شریفه قرآن در ابلاغ پیام امامت که خود بمانند نبوت مقامی است انتصابی از ناحیه پروردگار و تأمل پیامبر در این کار خود گویای واقعیتی است که چه بهتر آنرا از زبان خود پیامبر عالیقدر بشنویم ، آنجا که میفرماید :

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَهُ إِلَيَّ وَ أَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ إِنَّ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَا مُرْنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَ هُوَ السَّلَامُ أَنَّ أَقْوَمَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلِمُ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي ... فَأَعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وُلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ ... ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (۳)

پیامبر می فرماید : ای مردم در امر تبلیغ آنچه بر من بود کوتاهی نکردم و من سبب نزول آیه را بیان می کنم که جبرئیل (ع) سه بار

بر من نازل شد و سلام پروردگار را رساند و در این جا آگاه سازم تمام انسانهای سیاه و سفید را بر اینکه علی بن ابیطالب برادر و وصی من، جانشین من و امام و رهبر امت است بعد از من ..

پس آگاه باشید ای مردم بدرستی که خداوند او را نصب کرد برای شما ولی و امامی که طاعت او فرض است و ... بعد از وی قرارداد در ذریه من از اولاد علی (ع) امامت را تا قیامت .

با توجه به کلمات رسول الله که مورخین اسلام نوشته اند و بنام خطبه غدیر این کلمات کهر بار حضرت در تاریخ اسلام ثبت شده می بینیم مهمترین مسأله در تاریخ اسلام مسأله جانشینی پیامبر است که از طرف خداوند مقرر گشته است و حداقل تعداد ۱۱۰ نفر را وی اهل تسنن این خطبه را از پیامبر روایت کرده اند که جهت تفصیل به کتاب نفیس الغدیر مراجعه شود تا معلوم شود که خطبه عید غدیر فقط راوی شیعه ندارد بلکه مسئله ای است که اختصاص به همه دارد و شیعه و سنی مطلب را متذکر شده و در متن کتب فریقین موجود است .

پس نتیجه اینکه کمال رسالت را ما در امامت میدانیم و خداوند نیز در قرآن چنین فرموده است :

أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ -  
الإِسْلَامَ دِينًا . (۴)

یعنی امروز دین شما را کامل کردم و نعمت را بر شما تمام نمودم و



راضی شدم که اسلام دین شما باشد .

در مورد ائمه نیز پیامبری که خداوند کلامش را سند و حجت قرار داده است و حتی اطاعت از پیامبر را اطاعت خود معرفی نموده و آیات فراوان قرآنی مؤید این مطلب است که در جای خود بحث شده و اصلاً بحث مستقلی میباشد ، اینسان می بینیم که پیامبر بزرگوار اسلام در تفسیر این آیه شریفه قرآن که می فرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ . (۵)

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت خدا و رسول و اولی الامر را بنمائید ...

طبق نقل تفاسیر اهل تسنن از جمله تفسیر بنایع الموده شیخ سلیمان قندوزی حنفی اولی الامر که بعد از خدا و رسول اطاعت فرمائش واجب است ائمه دوازده گانه تشیع میباشد .

نتیجه ای که از آیات و روایات می گیریم اول اینکه مقام امامت مقام انتخابی نیست بلکه انتصابی از جانب پروردگار است و بعد اینکه تعداد ائمه ۱۲ نفر می باشند که از زمان رسول الله (ص) مشخص و معلوم شده اند و اصولاً مسئله ای بنام مهدی و مهدویت مطلبی نیست که بعد از پیامبر عنوان شود بلکه آغازگر بحث در این مطلب خود پیامبر بوده است و بعد از پیامبر ائمه نیز یکایک کلامی در این خصوص دارند .

### ۳ - اشتباهات نویسندگان در باره تشیع و مهدویت

و این مطلب را که متأسفانه برخی از نویسندگان بظاهر مسلمان نیز در کتابهایشان نوشته‌اند که اعتقاد بمهدی و اکنش دفاعی توده‌های اسلامی است مطلبی است که خود نشانگر دور بودن این قلم بدستان از بیانات قرآن و رسول الله میباشند و اینان چگونه خود را مسلمان میدانند و بنخود اجازه نگارش چنین مهملاتی میدهند، گویا از دایره اسلام بدورند و این مطلب را با کمال تأسف آقای دکتر ناصرالدین صاحب‌زمانی چنین می‌نگارد:

که: (مهدی پرستی و اکنش دفاعی توده‌های اسلامی - از فیلسوفان و تکاپوهای فلسفی و عرفانی و سیاسی که بگذریم، توده‌های رنج‌دیده و ستمکشیده هم برای خود، شیوه‌های تسکینی و تسلی بخش مخصوص خود دارند این شیوه‌ها که همواره توأم با اشتیاق به رهایی از رنج و احساس ایمنی و سعادت است عموماً متوجه يك « قهرمان » يك خدای زمینی يك منجی، و یا يك « برترین رهبر » می‌گردد:

توده‌های اسلامی، غالباً این قهرمان رهایی بخش را، چنانکه دیدیم عموماً در نام و وجود « مهدی موعود » جستجو کرده‌اند. (۶)  
روایات فراوانی از پیغمبر بزرگوار و ائمه هدی در مورد امام‌زمان آمده است که به قسمتهائی از آن بنقل از کتاب منتخب‌الاثار توجه میدهیم:

۱- روایاتی که میگویند امامان ۱۲ نفر میباشند و اول آنها حضرت -

علی (ع) و آخر آنان امام زمان (عج) ۹۱ حدیث

۲- روایاتی که میگویند مهدی از خاندان پیغمبر و ذریه آنحضرت -

است . « ۳۸۹ »

۳- روایاتی که میگویند مهدی هم نام وهم کنیه و شبیه ترین مردم به

پیغمبر است « ۴۸ »

۴- روایاتی که میگویند مهدی از دودمان علی (ع) است « ۲۱۴ »

۵- « « « مهدی از فرزندان فاطمه است « ۱۹۲ »

۶- « « « از فرزندان امام حسن (ع) و امام حسین (ع)

است « ۱۰۷ حدیث

۷- روایاتی که میگویند از فرزندان امام حسین است « ۱۸۵ »

۸- « « « نهمین فرزند امام حسین است « ۱۴۸ »

۹- « « « مهدی از فرزندان امام زین العابدین است « ۱۸۵ »

۱۰- « « « هفتمین از فرزندان امام پنجم میباشد « ۱۰۳ »

۱۱- « « « ششمین از فرزندان امام ششم است « ۹۹ »

۱۲- « « « پنجمین از فرزندان امام هفتم میباشد « ۹۸ »

۱۳- « « « چهارمین از فرزندان امام هشتم میباشد « ۹۵ »

۱۴- « « « سومین از فرزندان امام نهم است « ۶۰ »

۱۵- « « « از فرزندان امام حسن عسکری میباشد « ۱۴۶ »

۱۶- « « « دارای غیبت طولانی است « ۹۱ »

- ۱۷- « « « دارای عمر طولانی است ۳۱۸ حدیث
- ۱۸- « « « او جهان را پر از عدل و داد میکند ۱۲۳ «
- ۱۹- « « « ولادت او پنهان است ۱۴ «
- ۲۰- « « « روایاتی که بشارت بظهور حضرت داده ۶۵۷ «
- ۲۱- « « « دارای دو غیبت است ۱۰ «
- ۲۲- « « « دارای سنت‌هایی از انبیاء است ۲۳ «
- ۲۳- « « « آنحضرت ظاهر میشود بعد از آنکه مردم در امتحانات سخت قرار بگیرند ۲۴ «
- ۲۴- روایاتی که میگویند حضرت عیسی (ع) در نماز با آنحضرت اقتدا می‌کند ۲۵ حدیث
- ۲۵- روایاتی که میگویند هنگام ظهورش منادی آسمانی بنام او و نام پدرش ندا میکند که همه میشنوند و ظهور آنحضرت را اعلام میکنند ۲۷ «
- ۲۶- روایاتی که میگویند پیش از ظهورش ترخها بالامی رود و بیماری زیاد میشود و جنگهای بزرگ برپا میشود و خلق بسیار ازین میروند ۲۳ حدیث
- ۲۷- روایاتی که میگویند ۳۱۳ نفر اصحاب او در یکساعت بمحضرش حاضر میشوند ۲۵ «
- ۲۸- روایاتی که میگویند ولادت و مشروح تفصیلات و تاریخ آن و احوال ما در جلیله آنحضرت ۲۱۴ «

۲۹- روایاتی که میگویند دوازدهمین امام است و بعد از او امامی نیست  
« ۱۳۶ »

۳۰- روایاتی که میگویند مرور زمان او را پیر نمی‌سازد و به چهره جوان ظاهر میشود  
« ۸ »

### ۴- حضرت ابراهیم (ع) و مهدویت

ما این مسئله را از نظر قرآن بررسی می‌کنیم و بعداً آیاتی از قرآن را شاهد بحث قرار می‌دهیم و در نقل آیات به کتب دانشمندان اهل تسنن جهت تفسیر آیات مراجعه خواهیم کرد؛ و اما اگر بنخواهیم بنیان مهدویت را بدانیم دقت در آیات قرآن روشنگر این واقعیت است که ما بنیان مهدویت را در قرآن مبتنی بر تفکرات ابراهیم خلیل (ع) می‌بینیم و هنگامی که می‌گوئیم در تفکر ابراهیم خلیل (ع) منظور این نیست که بنخواهیم مهدویت را بطور مستقل بر افکار آنحضرت متکی سازیم بلکه منظور ما این است که از آن زمان مقدمات امور مربوط به مهدویت را و اهداف آنرا از کلمات ابراهیم خلیل الله (ع) بنیانگذار کعبه می‌بینیم و با آیاتی که بررسی می‌نمائیم این مسئله روشن میشود که ما مهدویت را متکی بر زمان صفویه نمی‌دانیم تا افرادی که متأسفانه بنام نویسند و مورخ قلم بدست می‌گیرند و این گونه مسایل را به زمان صفویه ارتباط میدهند و تحقیقات ناقصی در این زمینه دارند شناخته و برای همگان روشن گردد و حتی می‌بینیم کسروی مسئله

شیعگری و مهدویت را از دید بخصوص بررسی می کند و افق اندیشه اش از مرز حکومت صفویه بالاتر نمی رود و اساس و پایه تشیع را تاحد صفویه پیش می برد و این مذهب را مذهبی سیاسی و ساختگی صفویه و مهدویت را هم يك طرفه تفکر اختراعی که از مکتب شیعه ای که متکی بر مکتب صفویه است می پندارد در حالی که اینگونه نویسندگان حداقل کمی زحمت تحقیق و مطالعه در کتب اسلامی را بخود میدادند در می یافتند که ظهور شیعه در آغاز اسلام بوده و شیعه در زمان پیامبر و بزبان خود آنحضرت به پیروان علی علیه السلام اطلاق گردیده تا آنجا که بنقل کتب فراوان دانشمندان اهل تسنن از قبیل کتاب: مودة - القربی و نور الابصار و ینابیع المودة پیغمبر گرامی اسلام فرموده است :

يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ .

یعنی ای علی تو و شیعیانت از دستکاران هستید .

۵ - کیفیت صلوات از دیدگاه پیغمبر  
بنقل از کتب اهل تسنن

این مسئله بقدری روشن است که با بررسی کتب دانشمندان اهل سنت و جماعت نیز درمی یابیم که صلواتی که به عنوان یکی از شعائر مهم است که بدون آن نماز باطل است دقیقاً از زمان پیغمبر نقل گردیده است و ما برای نمونه فقط بدو کتاب از دو نویسنده بزرگ اهل تسنن توجه میدهیم .

۱- حافظ محی الدین ابی زکریا میباشد در باره چگونگی صلوات فرستادن هنگامی که آیه مبارکه : **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ** : **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** بدرستی که خدا و ملائکه او صلوات بر رسول او میدهد ای کسانی که ایمان آورده‌اید درود و رحمت بفرستید بر او و سلامی دهید سلام دادنی (۷) نازل میشود چنین می نویسد که :

عن ابی محمد کعب بن عجره رضی الله قال : **خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَلِمْنَا كَيْفَ نُسَلِّمُ عَلَيْكَ فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ؟** قال :

« **قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ** » (۸)

۲- شیخ سلیمان حنفی که یکی از مفسرین بزرگ اهل تسنن است در تفسیر خود در باره صلوات چنین مینویسد .

از پیغمبر اکرم (ص) پرسیدند چگونه صلوات بدهیم آنحضرت

فرمود باین نحو صلوات بدهید : **اللهم صل على محمد و آل محمد** (۹)

۶- اسامی ائمه دوازده گانه را پیامبر نام میبرد

اوصاف ائمه دوازده گانه تشیع در منابع اهل سنت و جماعت

وجود دارد که برای نمونه ما تنها بیک مورد زیر از یکی از دانشمندان معروف اهل سنت و جماعت اکتفا می کنیم و کسانی که تفصیل بحثها را بخواهند آنها را به کتاب نفیس الغدیر یا کتب دانشمندان اهل سنت ارجاع می دهیم .

شیخ سلیمان قندوزی حنفی در تفسیر خویش از قول رسول الله (ص) در پاسخ شخص یهودی بنام مغثل که از ائمه پرسیده بود چنین می فرماید :

انَّ وَصِيَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَبَعْدَهُ سِبْطَايَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ تَتْلُوهُ  
تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ . بعد از اینکه پیامبر وصی خود را علی (ع)  
معرفی می کند و پس از آن حضرت دو فرزندش امام حسن (ع) و امام  
حسین (ع) را معرفی و سپس می فرماید و نه نفر از صلب امام حسین  
می آیند ، یهودی عرضه میدارد که نه نفر امام بعد از حضرت حسین  
را معرفی کند می فرماید :

إِذَا مَضَى الْحُسَيْنِ فَأَيْنَهُ عَلِيٌّ فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَأَيْنَهُ مُحَمَّدٌ -  
فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَأَيْنَهُ جَعْفَرٌ فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ فَأَيْنَهُ مُوسَى فَإِذَا -  
مَضَى مُوسَى فَأَيْنَهُ عَلِيٌّ فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَأَيْنَهُ مُحَمَّدٌ فَإِذَا مَضَى -  
مُحَمَّدٌ فَأَيْنَهُ عَلِيٌّ فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَأَيْنَهُ الْحَسَنُ فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ -  
فَأَيْنَهُ الْحُجَّةُ مُحَمَّدٌ الْمَهْدِيُّ فَهُوَ لِأَثْنَيْ عَشَرَ . و می بینیم که پیامبر  
اسامی نه امام بعد از امام حسین (ع) را بیان می فرماید آنگاه می فرماید



اینان ائمه دوازده گانه هستند و آنگاه یهودی اظهار میدارد که این اسماء شریف و مقدس را من نیز در کتب انبیاء قبل م یافتم و چنانکه گفته شد مطلب مربوط به زمان صفویه نمی باشد و بزمان پیغمبر ارتباط دارد.

### ۷ - مهدویت و بنیانگزاری فکر توحید

به تعبیری ما مسئله مهدویت را بزمان پیغمبر نیز اختصاص نداده بلکه به اسلام زمان ابراهیم (ع) و بلکه بالاتر به زمان آدم ابوالبشر ارتباط میدهیم و اگر وسعت نظری داشته باشیم و در دید وسیعتری بررسی کنیم می گوئیم: مهدویت در مکتب قرآن مساوی است با بنیانگزاری فکر توحید و کلمه لا اله الا الله در جامعه بشری. توضیحاً میگوئیم که نظام آفرینش بر کلمه لا اله الا الله استوار است و کلمه توحید فقط لفظ تنها نمی باشد و این کلمه در نظام خلقت آفرینش يك واقعیتی است و يك رئالیته و يك تعیین و يك تحقق خارجی است که برخلاف تصور گروهی که مذهب را ساخته اندیشه های انسان میدانند بدون در نظر گرفتن واقعیت عینی، در حالی که در اسلام طرز تفکر توحید و کلمه لا اله الا الله کاشف از يك واقعیت عینی خارجی است پیامبر اسلام نیامد انسانها را به آئین و ایده

و هدفی رهبری کند که فقط در ذهن انسانی جنبه درون زائی و داخلی داشته باشد بدون تحقق عینی، خاصاً نظام آفرینش بر پایه توحید و لا اله الا الله است زیرا مفهوم حقیقی عبادت یعنی اطاعت فهری همه موجودات از نظام آفرینش و اگر این مفهوم را در خارج دیدیم و از نظر علمی و تجربی باین نتیجه رسیدیم که همه موجودات را شاخه - شاخه و دسته دسته است و قوانین خاصی که مرتبط بهم هستند و همه این ارتباطات هم از يك نظام کلی واحد جبراً برخوردار است در نظام آفرینش که نمی تواند از آن سرپیچی نماید این همان مفهوم کلمه توحید در نظام خلقت است یعنی تبعیت از قانون جبری آفریدگار می نماید و نمی تواند از قانون جبری آفرینش تخلف نماید و این مفهوم کلمه توحید در تکوین و خلقت است و در وجود انسانها نیز انبیاء آمدند تا کلمه لا اله الا الله را در جوامع انسانهای آزاد و مختار به هم آهنگی از آن نظام کلی خلقت پیاده کنند و چون افکار انبیاء بر این اصل متکی است که اگر جوامع بشری بر نظام آفرینش تکیه نکنند و قوانین بشری مطابق با فطرت وی نباشد جامعه بسوی سقوط پیش خواهد رفت و باید جامعه از نظام توحید تبعیت کند و این فکر مستقل را در جامعه انبیاء از زمان آدم ابوالبشر تا زمان ابراهیم خلیل و بعد تا زمان پیامبر خاتم می بینیم ، ابراهیم خلیل پس از تجدید بنای خانه کعبه از خداوند درخواست می کند : خدایا قلوب

مردم را متوجه این کعبه ساز و آنگاه دست بدعا برداشته و عرضه  
میدارد :

۸ - تقاضای حضرت ابراهیم (ع) و بیان  
آیات مربوط به مهدویت

رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ ارِنَا  
مَنْ سَكُنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا ... (۱۱)

یعنی: پروردگار از ما بپذیر « این خدمت را و روش عبادت را  
بما بیاموز و ما را مُسْلِم قرار ده و در ذریه من اسلام را جاوید و  
پایدار بدار .

و تقاضای دیگر نیز می نماید که: رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا  
مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ  
وَ يُزَكِّيهِمْ ... (۱۳)

پروردگارا به این ذریه مسلمانان من از دودمان و نسل من کسی  
را مبعوث کن و پیامبری برانگیز که کتاب ترا بر این مردم بخواند  
و مردم را پاک کند و بسوی تو هدایت کند:

و اکنون این سخن ابراهیم خلیل (ع) را مقایسه ای می کنیم با  
آیه ای که در فلسفه بعثت پیغمبر گرامی اسلام نازل شده در سوره -

آل عمران بدینگونه :

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ  
يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ... (۱۳)

بتحقیق منت نهاد خداوند بر مؤمنین هنگامی که برانگیخت در  
ایشان رسولی از خودشان که بخواند به آنها آیه‌های او را و پاک  
گرداند آنها را و کتاب و حکمت را بر آنان پیاموزد....

ابراهیم خلیل در آن زمان چنین تقاضائی می‌نماید و تقاضایش با  
آیه‌ای که فلسفه بعثت رسول اکرم را بیان می‌نماید کاملاً تطبیق دارد  
زیرا ابراهیم درخواست می‌کند : **وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا... و آیه بعثت**  
**میگوید : لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا و آنچه**

را که ابراهیم (ع) تقاضای نمود که آن هدف و دعوت جهانی در سطح  
وسیع بود و محدود بیک زمان و مکان خاصی نبود ، آن دعوت بوسیله  
پیامبر اسلام عملی شد و این دو آیه با کلامی که حضرت رسول (ص)  
فرموده‌اند که : **انا دعوة ابي ابراهيم** یعنی دعای ابراهیم را خدا  
بوسیله من ( با بعثت من ) مستجاب نمود مطابقت دارد حضرت ابراهیم  
تقاضا کرد پیغمبری در سطح جهانی باشد و خداوند پیامبر اسلام را  
برای جهان برانگیخت ( **رحمة للعالمين** ) .

می بینیم بدنبال این تقاضا آیه شریفه در سوره زخرف میفرماید :

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ : کلمه باقیه‌ای در عقب آن گردانید که

در تفسیر کلمه باقیه مفسرین اهل سنت و جماعت نیز اعتراف دارند که کلمه باقیه در خصوص مهدویت است و ما در تأیید این کلام متن کتاب ینابیع الموده شیخ سلیمان قندوزی حنفی را که از مفسران بزرگ اهل سنت و جماعت است متذکر میشویم : این مفسر اسلامی مطلب را چنین ذکر می کند : وَ فِي سُورَةِ الزُّخُرْفِ ( وَ جَعَلَهَا -

كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ) عَنْ ثَابِتِ الشَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - قَالَ : فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَ جَعَلَ اللَّهُ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ - إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ لِلْغَائِبِ مِنْ غَائِبَتَيْنِ أَحَدَيْهِمَا أَطْوَلَ مِنَ الْآخَرِ فَلَا يَثْبُتُ عَلِيُّ إِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ : ( ۱۴ )

یعنی ثابت بن شمالی از امام زین العابدین که او هم از پدرش و از جدش علی بن ابیطالب رضی الله عنهم نقل می کند که فرمود : این آیه در باره ما نازل شده است و خداوند قرار داده است امامت را در صلب امام حسین تا روز قیامت و برای غائب ما در غیبت است که یکی طولانی تر از دیگری است و ثابت بر امامت آنحضرت نمی ماند مگر کسی که یقین او قوی باشد و معرفتش درست بوده باشد .

میدانیم این رسالت بزرگی که پیغمبر دارد ادامه‌اش در مسئله مهدویت و بعبارت دیگر مهدویت تکمیل کننده این هدف جهانی است که پیامبر برای جهانیان نذیر بوده باشد و اگر ما با تفکری عرفانی بر مسئله مهدویت بنگریم بیاد کلام امام صادق خواهیم بود که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقَ وَلَا يَتَنَا حِينَ أَخَذَ لَهُمْ مِيثَاقَ

۹ - عالم دَر و اخذ پیمان آلت

پیمان الستی که خداوند در قرآن بیان فرموده از آیه زیر استفاده میشود:

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَسْهَدَهُمْ  
عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ -  
إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (۱۵)

ترجمه: ای رسول مایید آور وقتی که خدای تواز پشت فرزندان آدم ذریه آنها را بر گرفت و ایشان را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند بلی ما بخدائی تو گواهی میدهیم تا دیگر در روز قیامت نگویند غافل بودیم در تفسیر آیه فوق امام - صادق علیه السلام فرموده است که:

خداوند در عالم ذرا از خلائق پیمان گرفت بخدائی خود و باینکه

پیغمبر ما رسول و فرستاده از جانب اوست و نیز عهد گرفت از پیغمبران  
بولایت و امامت امیرالمومنین علیه السلام و ائمه طاهرین و فرمود آیا  
من پروردگاری که شما نیستم و محمد پیغمبر شما نیستم؟ و علی و ائمه -  
معصومین پیشوایان شما نیستند؟ گفتند چرا. (۱۶)

### ۱۰ - قطعات کشتی حضرت نوح و نوشته های آن

تعجب آور نیست آن هنگام که قطعات کشتی حضرت نوح (ع)  
را پیدا مینمایند و نوشته هایی بر آن بوده که قضیه را مجله رسمی  
(انقادنیزوپ) که یکی از پرنیراثرترین مجله رسمی شوروی است  
در شماره ۱۶۵۲ تشرین دوم خود مینویسد: موقعی که کاوشگران  
(باستانشناسان) شوروی به حفاری و کاوش برای آثار باستانی در  
منطقه ای که به (وادی قاف) مشهور است مشغول بودند در طبقه  
زیرین زمین به تعدادی تخته پاره های قطور و پوسیده برخوردند و آنها  
را از قلب کوه بیرون آوردند و برای شناسائی به اداره باستان شناسی  
تحويل دادند پس از بررسی هایی از طرف کارشناسان آثار باستانی بعمل  
آمد معلوم گردید تخته پاره های مذکور از کشتی حضرت نوح جدا  
شده و در حدود پنجهزار سال همچنان در آن مکان باقی مانده است  
با پیدایش این تخته پاره ها متخصصین باستان شناس آنچنان شیفته این  
کشف شدند و بطوری برخوردشان با پیدایش تخته های پنجهزار سال

عمر نظرشان را جلب کرد که برای بقایای تخته‌های بدست آمده ۲ سال دیگر عملیات حفاری خود ادامه دادند و پس از کاوشهای بسیار در همان منطقه و مکانیکه تخته‌های قبلی پیدا شده بود به تخته لوح مانندی برخورد نمودند که بصورت لوحی پنج پر و بسیار ظریف نجاری شده و خطوطی کوتاه و ناشناخته از خطهای دوران کهن بر روی آن نوشته شده بود در صورتی که تخته‌های بدست آمده قبلی هم پوسیده شده ولی تخته اخیر کاملاً سالم مانده حتی نقطه‌ای از نوشته‌های آن نیز مخدوش نشده بود تخته لوح مانند مذکور اکنون در موزه آثار باستانی مسکو مانند گوهری گرانبها از آن نگهداری میشود و در معرض دید و تماشای سیاحان و توریست‌ها و تماشا کنندگان داخلی و خارجی قرار دارد.

## ۱۱ - محققین خارجی و بررسی آثار

### تخته لوح

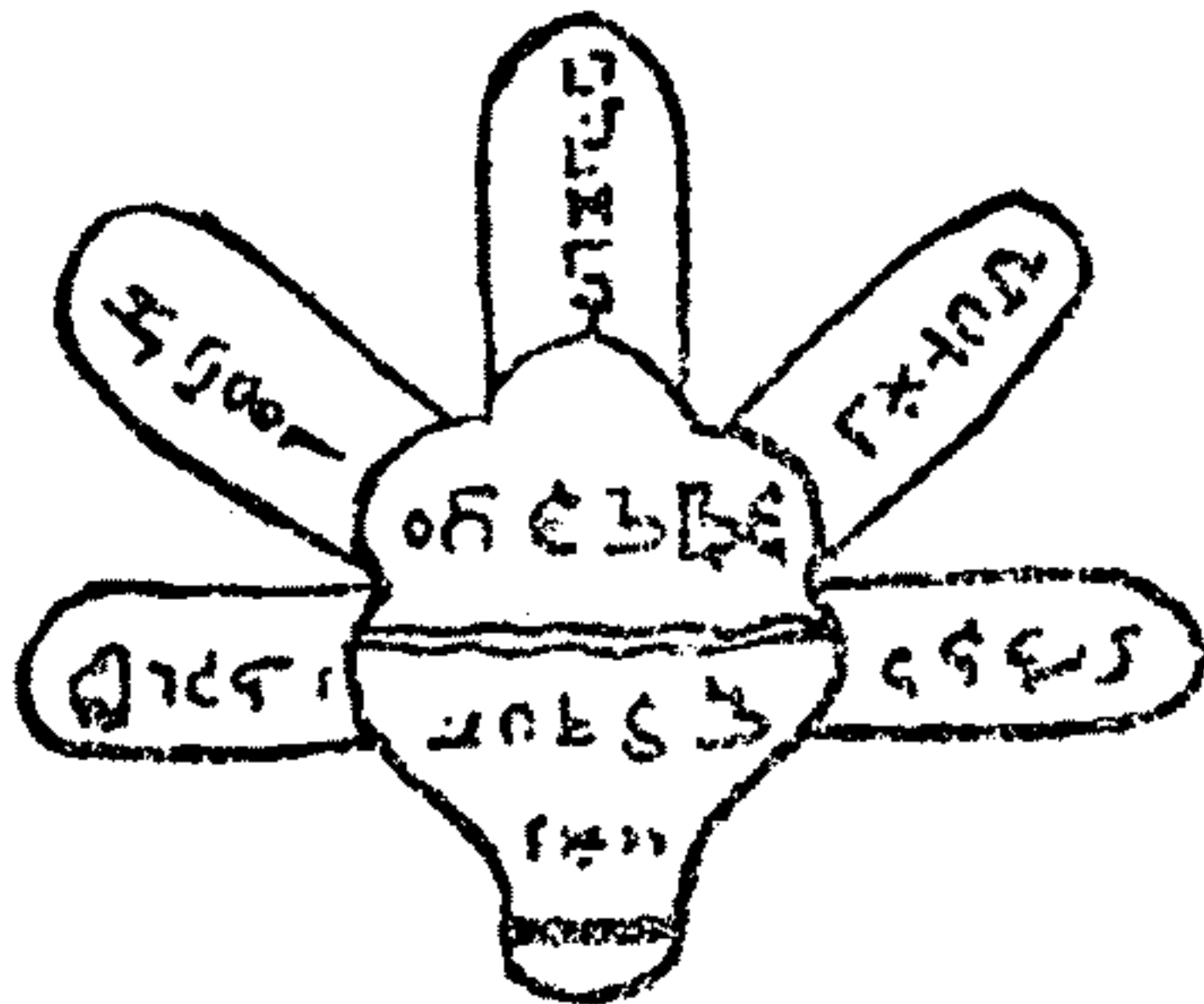
آثار باستانی شوروی برای اطلاع از خطوطی که روی تخته بدست آمده منقوش شده بود و بعنوان آگهی از چگونگی این لوح بدین منظور به هیئتی که مرکب از هفت نفر از بزرگترین و مهمترین باستان‌شناسان و استادان خط و زبان‌دانه‌های چینی و روسی بنامهای زیر مأموریت داده شد:



- ۱- پروفیسور رسولی نوف استاد زبانهای قدیمی و باستانی در دانشکده مسکو .
- ۲- ایفاهان خینو ، دانشمند و استاد زبان شناس در دانشکده لولوهان چین :
- ۳- میشانن لوفارنک مدیر کل آثار باستانی شوروی ،
- ۴- تانمون گورف استاد لغات در دانشکده کینفرو .
- ۵- پروفیسور دی راکن استاد باستان شناس در آکادمی علم لنین .
- ۶- ایم احمد کولا مدیر تحقیقات و اکتشافات عمومی شوروی .
- ۷- میچر کولتوف رئیس دانشکده استالین .

خطها و کلمات درج شده روی قخته از لغات سامانی یا سامی  
میباشد که میتوان آنرا ام اللغات (یعنی ریشه لغات) خواند و این خطوط  
بسام بن نوح منسوب میشود.

بسم نوح منسوب میشود



ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک  
 ل م ن ر س ط ق ر ک  
 گ د ه و ز ح ط ی ک  
 ل م ن ر س ط ق ر ک  
 گ د ه و ز ح ط ی ک

معنای خطها بشرح زیر است :

ای خدای من ای یار من ، برحمت و کرمت مرا یاری کن و بیاس خاطر

این نحو س مقدسه :

محمّد - ایلیا (علی) شبر (حسن) شبر (حسین) فاطمه

آنانکه همه بزرگان دگر آیند جهان به برکت آنها برپاست . به احترام نام آنها مرا یاری کن - تنهاتونی  
 که میتوانی مرا به راه راست هدایت کنی .

۱۳ - مجلات و روزنامه هائی که  
جریان فوق را نوشته‌اند

روزنامه و مجلات و مطبوعاتی که این واقعه را مندرج ساخته  
بودند بعضی از آنها از قرار زیر است :

۱ - مجله رسمی پرتیراژ ( انقاد نیزوپ ) شوروی .

۲ - مجله هفتگی ( ویکلی میر ) چاپ لندن .

۳ - مجله ( استار ) انگلیس .

۴ - مجله ( بذره ) چاپ نجف .

۵ - روزنامه ( سن لایت ) چاپ منچستر .

۶ - روزنامه ( الهدی ) چاپ قاهره مصر .

۷ - کتاب ( ایلیمرکز نجات ادیان العالم ) .

۸ - روزنامه های اطلاعات و کیهان - مجله مکتب اسلام .

۹ - مهنامه شماره ۲۶۸ ژاندارمری ایران . ( ۱۷ )

از همان پیمان الستی که خداوند بین خود و بندگان گرفت که

فرمود : **أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ** ، از همان روز پیمان محبت و ولایت

ما خاندان پیامبر با دوستان و شیعیان بسته شده است .

### ۱۴ - شیعه و اطاعت از خدا

و البته مطلبی که تذکر آن ضروری است اینکه ما هنگامی خود را محب و دوستدار ائمه باید بدانیم و شیعه و پیرو آنان حساب کنیم که عمل به گفتار آنان بنمائیم زیرا دوستی و محبت ما در گرو اعمال ما میباشد و امام باقر علیه السلام در پیامی به جابر بن عبدالله - انصاری چنین فرموده‌اند:

يَا جَابِرُ بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ وَ اعْلِمْهُمْ أَنَّهُ لَا قَرَابَةَ -  
بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ لَهُ يَا -  
جَابِرُ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّنَا فَهُوَ لِينَا وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ -  
يَنْفَعَهُ حُبُّنَا . (۱۸)

ای جابر سلام به شیعهام برسان و بگو و آنها را آگاه ساز که میان ما و خدا هیچ خویشاوندی نیست و کسی نمی‌تواند بدون اطاعت خدا مقرب در گاه خدا شود .

ای جابر کسیکه فرمان خدا را ببرد و ما را دوست داشته باشد پس دوست ما بوده و کسیکه معصیت خدا نماید دوستی ما او را نفعی نبخشد .  
میبینیم که این حقیقت را امام باقر (ع) بگونه‌ای دیگر متذکر می‌کرد بدین سان :

وَاللَّهُ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بِرَأَاةٍ وَلَا بَيْنُنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ قَرَابَةٌ -  
وَلَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ وَلَا نُقْرَبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ ، فَمَنْ -  
كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعًا لِلَّهِ تَنَفَعَهُ وَلَا يَتُّنَا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِيًا -  
لِلَّهِ لَمْ تَنَفَعَهُ وَلَا يَتُّنَا وَ يَحْكُمُ لَاتُغْتَرَّوْا وَ يَحْكُمُ لَاتُغْتَرَّوْا . (۱۹)

یعنی : بخدا قسم ما از جانب خدا براتی نداریم و میان ما و خدا  
قربانی نیست و بر خدا حجتی نداریم و جز با اطاعت بسوی خدا  
تقرب نجوئیم ، پس هر کس از شما که مطیع خدا باشد دوستی ما او  
را سود دهد و هر کس از شما که خدا را نافرمانی کند دوستی ما او  
را سودی ندهد . وای بر شما مبادا فریفته شوید وای بر شما مبادا  
فریفته شوید .

### ۱۵ - راه نجات امت اسلام

ما باید توجه داشته باشیم که امام میفرماید: بوسیله عمل  
صالح کسی دوست ما خواهد شد و اصولاً شیعه یعنی پیرو و تابع و ما  
که خود را شیعه علی (ع) میدانیم باید حساب کنیم چقدر اعمال ما  
هماهنگی با عمل آنحضرت دارد نه اینکه بنام مسلمان و شیعه با اعمال  
منافی اسلام و تشیع که انجام میدهم آبروی اسلام و تشیع را برده و  
لکه تنگی بر دامان اسلام باشیم و این کلام معصوم را باید در نظر

داشته باشیم که فرمود :

إِنْ مِنْ ادَّعَى حُبَّنَا وَ هُوَ لَا يَعْمَلُ بِقَوْلِنَا فَلَيْسَ مِنَّنَا -  
وَ لَا نَحْنُ مِنْهُ . (۲۰)

بدرستی که کسی اگر ادعای دوستی و حب ما را بنماید و آنکس عمل به گفتار ما نداشته باشد از ما نیست ( دوست ما نیست و در زمره دشمنان ما می باشد ) و ما هم از او نیستیم ( بیزاریم )

بر ما لازم است که راه امام را بشناسیم و از آنان پیروی کنیم و غیر طریق آنانرا نپیمائیم و ائمه هدی تصریحاتی در این خصوص دارند از آن جمله که امام صادق علیه السلام فرموده است :

كَذِبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَعْرِفُنَا وَ هُوَ مُسْتَمْسِكُ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا (۲۱)

دروغ می گوید کسی که گمان برده است ما را شناخته و آنکس بغیر از ریسمان ما چنگک میزند ( در غیر راه ما حرکت میکند ) و خود امام زمان (عج) نیز فرموده اند :

طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِنَا أَهْلُ الْبَيْتِ مُسَاوِقٌ لِانْكَارِنَا . (۲۲)

جستجوی معارف دینی غیر از راه ما اهل بیت مساوی است با انکار ما . و پیامبر اکرم نیز دستور فرموده اند که پیرو قرآن و عترت بوده باشیم و ما نیز آن هنگام می توانیم ادعای اسلام و تشیع بنمائیم و

خود را مسلمان و شیعه حساب کنیم که ضوابط اسلام و مکتب تشیع را در زندگی خویش مراعات کنیم و تنها بدانیم اگر عمل بگفتار امام ننمائیم و زیارت قبر حضرت رویم کافی نیست و باید از زیارت قبر امام و پیامبر درس زندگی بگیریم زیرا خود قبور این بزرگواران کلاس درس و تربیت است و آن وقتی که امام را مخاطب قرار میدهیم که :

أَطَعْتُ اللَّهَ وَأَطَعْتُ الرَّسُولَ : یعنی اطاعت خدا و رسول خدا را

نمودی ، خود این کلام باید در ما اثر تربیتی داشته باشد .

۱۶ - آیات قرآن، روایات و تفسیر و تأویل آن در باره

امام زمان (عج) بنا بنوشته اهل تسنن

شایسته بنظر میرسد که در تکمیل بحث مهدویت آیاتی چند که در تفسیر مفسران اهل تسنن در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان گردیده ذکر شود تا برای کسانی که مایلند اطلاعات بیشتری در باره مهدویت از نظر قرآن داشته باشند مسئله محقق گردد :

۱ - هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ . (۲۳)

ترجمه : اوست آنکه فرستاد رسولش را به هدایت و دین حق تا غالب سازد بر تمام ادیان اگر چه مشرکین را خوش نیاید .

حافظ قندوزی حنفی در تفسیر خود از سماعه و ابی بصیر نقل می کند که : در مورد آیه فوق امام صادق علیه السلام فرموده :

والله ما يجي تأويلها حتى يخرج القائم المهدي -  
عليه السلام ، فإذا خرج القائم لم يبق مشرك إلا كرهه خروجه -  
ولا يبقى كافر إلا قتل حتى لو كان كافر في بطن صخرة -  
قالت يا مؤمن في بطني كافر فأكسرنِي و اقتله . (۲۴)

بخدا قسم این آیه تأویل نمی شود تا مهدی قائم خروج کند و هنگامی که خروج کرد باقی نمی ماند مشرکی مگر ناراحت باشد از خروج وی و کافری باقی نمی ماند مگر اینکه کشته شود حتی اگر کافر در میان صخره ای بوده باشد که آن صخره به مؤمن گوید ای مومن در بطن من کافری جای دارد مرا بشکن و او را بکش .

۴ - اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا . (۲۵)

ترجمه : بدانید بدورستیکه خداوند زمین را بعد از مردن آن زنده می کند ، در تفسیر آیه فوق سلام بن مستنیر از امام باقر ( ع ) نقل می کند که آنحضرت فرمود :



يُحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَيُحْيِي الْأَرْضَ -  
بِالْعَدْلِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِالظُّلْمِ :

یعنی : خداوند زنده می کند زمین را بوسیله عدالت توسط  
امام زمان هنگامی که مرده باشد بخاطر ظلم .

۳ - وَاسْتَمِعَ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ -  
يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ . (۲۶)

ترجمه : و بشنو روزی که ندا می کنند ندا کننده‌ای از جای نزدیک .  
روزی که می شنود فریاد را برآستی آنست روز بیرون آمدن .  
در تفسیر آیه فوق امام صادق علیه السلام فرموده :

يُنَادِي الْمُنَادِ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ -  
وَ الصَّيْحَةُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ صَيْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ وَ ذَلِكَ يَوْمَ -  
خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۲۷)

یعنی منادی ندا میکند به اسم قائم و اسم پدرش علیهم السلام و  
صیحه در این آیه صیحه‌ای است از آسمان و آن روز خروج  
مهدی (قائم) میباشد .

۴ - وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ -

نَجْعَلُهُمْ أُيْمَةً وَ نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ . (۲۸)

ترجمه : و میخواهیم که منت بگذاریم بر کسانی که استضعاف شده‌اند در زمین و بگردانیم آنانرا پیشوایان و ایشان را وارث زمین سازیم .

در تفسیر آیه فوق از امام باقر و امام صادق علیهم السلام روایت شده که آن بزرگواران فرمودند :

إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ مَخْصُوصَةٌ بِصَاحِبِ الْأَمْرِ الَّذِي يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ -

وَ يَبِيدُ الْجَبَابِرَةَ وَ الْفَرَّاجِنَةَ ، يَمْلِكُ الْأَرْضَ شَرْقًا وَ غَرْبًا -

فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا . (۲۹)

بدرستی که این آیه مخصوص صاحب الزمان می‌باشد و او کسی است که در آخر الزمان ظاهر میشود و نابود میشوند جباران و فرعونها و مالک شرق و غرب زمین گردیده و عدالت را در سرتاسر زمین گسترش میدهد همچنانکه ظلم آنرا احاطه کرده باشد .

۵ - أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَ لَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ -

وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ . (۳۰)

ترجمه : آیا غیر از خدا می‌طلبند و حال آنکه هر که در

آسمانها و زمین است خواه و ناخواه فرمانبردار خدا بوده و بسوی او باز خواهند گشت. رفاعه بن موسی در تفسیر این آیه از امام صادق نقل می کند که آنحضرت فرمود :

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ الْمُهْدِي لَأَيُّبِي أَرْضُ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً -  
أَنْ لَأِلَهِ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ . (۳۱)

ترجمه: هنگامی که قیام نماید مهدی قائم سرزمینی باقی نمی ماند مگر آنکه شنیده شود در آن صدای شهادتین

۶ - وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ -  
يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ . (۳۲)

ترجمه: و بتحقیق نوشتیم در زبور از بعد ذکر آنکه زمین را بندگان صالح وارث خواهند شد .

در تفسیر آیه فوق از امام صادق و امام باقر علیهم السلام روایت شده که فرموده اند در مورد عبادی الصالحون ( بندگان صالح ) :

هُمْ الْقَائِمُ وَ أَصْحَابِهِ . (۳۳)

یعنی : آنان قائم و اصحاب وی میباشد .

۷ - وَ السَّمَاءُ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۳۴)

ترجمه : قسم به آسمان صاحب برجها

اصبغ بن نباته از ابن عباس روایت کرده که پیامبر در مورد آیه  
فوق فرمودند :

أَنَا السَّمَاءُ وَ أُمَّا الْبُرُوجِ فَالْأَيْمَةُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَعِترَتِي -  
أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ وَ آخِرُهُمُ الْمُهَدِيُّ وَ هُمُ اثْنِي عَشَرَ . (۳۵)

یعنی : منظور آیه قرآن از سماء من هستم و اما بروج ائمه هستند  
که از اهل بیت من و عترتم میباشند و اول آنها علی (ع) و آخر آنها  
مهدی است و آنان دوازده نفرند .

۸ - حَتَّى إِذَا رَأَوْنَا يُوعَدُونَ فَيَعْلَمُونَ مَنْ أضعفُ -  
نَاصِرًا وَ أَقَلَّ عَدَدًا . (۳۶)

ترجمه : تا چون ببینند آنچه را که وعده داده شدند پس بزودی  
بدانند که کیست ناتوان تا از راه مدد کاری و از لحاظ عدد کمتر .  
در تفسیر آیه فوق محمد بن فضیل از امام چهارم نقل می کند  
که آنحضرت فرمودند :

مَا يُوعَدُونَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ الْقَائِمِ الْمُهَدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ وَ انصَارِهِ  
وَ أعدائِهِ تَكُونُ أضعفُ ناصِرًا وَ أَقَلَّ عَدَدًا إِذَا ظَهَرَ -  
الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (۳۷)

یعنی مایوعدن ، در این آیه مهدی قائم و اصحاب و یاران وی بوده و هنگامی که او ظاهر شود دشمنانش هم ضعیفترند و هم کمترین عدد را دارند .

۹ - وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلُ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا -

الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِظُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ . (۳۸)

ترجمه : و گویند چرا برای او آیت و معجزی از جانب خدا نیامد پاسخ ده که دانای غیب خدا میباشد پس منتظر باشید بدرستی که من با شما از منتظرانم .

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرموده :

الْغَيْبُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ هُوَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (۳۹)

۱۰ - بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ . (۴۰)

ترجمه : بقیة الله، آن یگانه ذخیره الهی ، برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید .

در تفسیر آیه بالا از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرموده :

فَإِذَا خَرَجَ ( الْمَهْدِي ) أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ -

إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشْرَةَ رَجُلًا مِنْ أَتْبَاعِهِ ، فَأَوَّلُ مَا -

يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ ، بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ ، إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ «  
ثُمَّ يَقُولُ : أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلَيْكُمْ ،  
فَلَا يَسْلِمُ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا قَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ -  
فِي الْأَرْضِ . (۴۱)

یعنی هنگامی که قائم ظهور کند تکیه بر خانه خدا نموده و ۳۱۳ نفر  
یارانش در اطرافش جمع میشوند و آنحضرت باین آیه آغاز سخن  
مینماید: بقیة الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید و بعد میگوید:  
من بقیة الله هستم و خلیفه او و حجت او بر شما و هیچکس باو سلام  
نمی کند جز اینکه گوید ، سلام بر تو باد ای بقیة الله .

۱۱ - قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ . قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ -  
الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ . (۴۲)

ترجمه: گفت پروردگارا پس مهلت ده مرا تا روزی که برانگیخته  
شوند . گفت پس بدرستی که تو از مهلت دادگانی تا روز وقت معلوم .  
در تفسیر آیه فوق حسن بن خالد گوید ، امام رضا (ع) فرمود:  
إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ، هُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا . (۴۳)

یعنی منظور از یوم وقت معلوم روز خروج قائم ماست . از

حضرت سؤال می‌شود که قائم شما چه کسی است؟ می‌فرماید: فرزند چهارم من است (از صلب من)

۱۲ - وَ يَوْمَئِذٍ يُفْرِخُ الْمُؤْمِنُونَ بِنُصْرِ اللَّهِ . (۴۴)

ترجمه: روزی مؤمنین بیاری خدا شاد میشوند. ابابصیر در تفسیر این آیه از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که آنحضرت فرموده:

عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُفْرِخُ الْمُؤْمِنُونَ بِنُصْرِ اللَّهِ . (۴۵)

یعنی هنگامیکه قائم قیام نماید مؤمنین شاد می‌شوند به نصرت خدا. آیات فوق‌الذکر روشنگر این مطلب است که مهدویت بنیان قرآنی دارد و البته آیات فراوانی در این زمینه می‌باشد که بنای بحث ما بر اختصار است از این جهت بآیات یاد شده توجه داده شد.

۱۷ - گفتار علمای بزرگ اهل تسنن

در باره امام زمان علیه‌السلام

غیر از آیات روایات فراوانی نیز در این زمینه از پیامبر عالیقدر جهان اسلام در میان کتب دانشمندان اسلامی اعم از سنی و شیعه موجود است که تنها به چند مورد زیر توجه داده میشود:

۱ - شیخ محمد صبان دانشمند معروف اهل سنت می‌نویسد:

اخبار متواتری که از پیامبر اسلام نقل شده گواهی میدهد که

مهدی قیام می کند و او از خاندان پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد ساخت . (۴۶)

۲ - شیخ سلیمان قندوزی حنفی می نویسد : عن جابر بن عبدالله -

انصاری : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ -  
الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا . (۴۸)

یعنی جابر بن عبدالله انصاری می گوید که رسول الله (ص) فرمود :  
کسی که منکر خروج مهدی گردد بآنچه که بر پیغمبران نازل شده  
کافر گردیده است .

۳ - محمد شبلنجی دانشمند معروف مصری می گوید :

تَوَاتَرَتْ الْأَخْبَارُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ -  
أَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنََّّهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا . (۴۸)

یعنی : اخبار متواتری از پیامبر (ص) رسیده که مهدی از خاندان  
او می باشد و همه روی زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد .

۴ - شیخ سلیمان حنفی نقل می کند که جابر بن عبدالله انصاری

به رسول خدا می گوید : فَهَلْ لِلنَّاسِ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ -  
فَقَالَ : أَيْ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وَلَايَتِهِ -  
فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ سَتَرَهَا سَحَابٌ . (۴۹)



یعنی : آیا مردم ممکن است فایده‌ای در غیبت حضرت ببرند پس رسول خدا ( ص ) فرموده : آری قسم بکسی که مرا به نبوت مبعوث گردانید همانسان مردم از نور ولایت امام غایب بهره میگیرند که آفتاب در پس ابر فایده می‌بخشد .

۵ - ابن خلدون معترف است که : مشهور در میان تمام مسلمانان در تمام اعصار و قرون این بوده و هست که در آخر زمان مردی از اهل بیت ظهور می‌کند که آئین اسلام را تقویت کرده و عدالت را آشکار میسازد و مسلمانان از او پیروی می‌نمایند . ( ۵۰ )

۶ - دانشمند معروف اهل تسنن ابن جوزی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود :

يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وَوَلَدِي ، اسْمُهُ كَاسِمِي -

كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جُورًا . ( ۵۰ )

یعنی : خروج می‌کند در آخر الزمان مردی از اولاد من ، اسم او اسم من (محمد) و کنیه او کنیه من است زمین را پر از عدل می‌سازد هنگامیکه پر از ظلم شده باشد . بعداً ابن جوزی می‌گوید که این حدیث مشهور است و آن شخص مهدی میباشد .

۱۸- مسئله غیبت و تصریحات ائمه

در این باره

در مورد مسئله غیبت آن حضرت نیز احادیث فراوان از ناحیه پیامبر گرامی اسلام و ائمه هدی و حتی خود آنحضرت داریم که به موارد زیر توجه میدهیم :

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ : سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ -  
بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : أَنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً -  
لأَبَدٍ مِنْهَا ، يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ فَقُلْتُ : وَبِمِمْ جُعِلَتْ -  
فِدَاكَ ! قَالَ : لَا مَرِّ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ قُلْتُ فَمَا وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي  
غَيْبِهِ ؟ قَالَ : وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى -  
ذِكْرَهُ ، إِنَّ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ ، كَمَا -  
لَا يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخَضِرُ مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ وَ -  
قَتَلَ الْغُلَامَ ، وَ إِقَامَةَ الْجِدَارِ لِمُوسَى (ع) إِلَّا وَقْتُ إِفْتِرَاقِهَا ، -  
يَا بْنَ الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ، وَ سِرٌّ -  
مِنْ سِرِّ اللَّهِ ، وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ -  
حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ وَ أَقْوَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنَّ كَانَ -  
وَجْهَهُ غَيْرٌ مُنْكَشِفٍ لَنَا . (۵۲)

یعنی : عبدالله بن فضل هاشمی میگوید : از امام صادق علیه السلام شنیدم که آنحضرت فرمود : البته برای صاحب غیبی است که چاره‌ای از آن نیست در آن هر باطل جو در شك و ریب می‌افتد . عرض کردم چرا؟ فدایت شوم فرمود برای امری که بما اجازه آشکار نمودن آن داده نشده است . گفتم پس وجه حکمت در غیبت او چیست؟

فرمود : وجه حکمتی است که در غیبت‌های حجت‌های خدا پیش از آن حضرت بوده است . بدزستیکه وجه حکمت غیبت کشف نمیشود مگر بعد از ظهور او ، چنانچه وجه حکمت کارهای خضر از سوراخ کردن کشتی و کشتن غلام و بپا داشتن دیوار از برای موسی (ع) کشف نشد مگر هنگامیکه آنها از یکدیگر جدا شدند .

ای پسر فضل این (غیب) امری است از امر خدای تعالی و سری است از سر خدا ، و غیبی است از علوم غیبیه خدا و پس از آنکه ما دانستیم خداوند حکیم است گواهی داده ایم باینکه کارها و گفتار او همه موافق حکمت است و هر چند وجه آن بر ما روشن نشده باشد .

### ۱۹- انتفاع ناس در زمان غیبت

در مورد انتفاع مردم در زمان غیبت از آنحضرت پیامبر عالیقدر

جهان اسلام چنین میفرماید : **أَيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوءَةِ إِنَّهُمْ -**

يَنْتَفِعُونَ بِنُورِ وَايَاتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ -  
جَلَّلَهَا السَّحَابُ . (۵۳)

یعنی : آری سو کنند بخدائی که مرا به نبوت برگزیده مردم از نور رهبری او در دوران غیبتش بهره میگیرند همانگونه که از خورشید بهنگام قرار گرفتن پشت ابرها .

و اتفاقاً خود امام زمان (ع) نیز چنین پاسخی داده‌اند :

وَ أَمَا وَجْهُ إِلَّا نِتْفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَلِ نِتْفَاعِ بِالشَّمْسِ -  
إِذَا غَيْبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابِ . (۵۴)

یعنی وجه انتفاع از من در زمان غیبتم مثل انتفاع بوسیله خورشید آن هنگام که از دیده‌ها پنهان بوده و در زیر ابر قرار گرفته باشد. لازم بتذکر میباشد که گفته شود که : خورشید وقتی که در پس ابر قرار داشته باشد بسیاری از آثاری را که در هنگام تابش مستقیم دارد ، داشته و اگر باین مطلب اشاره شده شاید باین خاطر بوده باشد. باید متذکر شویم که ، غیبتهای آنحضرت بر دو نوع بنامهای غیبت صغری و کبری میباشد و غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری که سال وفات امام حسن عسکری (ع) بوده آغاز و بسال ۳۲۹ که سال درگذشت آخر بن نایب خاص آنحضرت، علی بن محمد سمری انجامید

واز آنروز بپعد غیبت صغری تمام شده و غیبت کبری آغاز گردید و این دوران از لحاظ طولانی بودن مدتش به دوران کبری نامگذاری شده.

### ۲۰- توقیع مبارکه حضرت ولی عصر عج

ما عین توقیعی را که امام زمان برای علی بن محمد سمری فرستاده اند در اینجا ذکر میکنیم: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ -  
یا عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ السَّمُرِیِّ اعْظَمَ اللهُ اَجْرَ اِخْوَانِكَ فِیْكَ فَاِنَّكَ -  
مِیَّتٌ مَا بَیْنَكَ وَ بَیْنَ سِتَّةِ اَیَّامٍ فَاجْمَعْ اَمْرَكَ ، وَ لَا تُوصِلِ اِلَی -  
اَحَدٍ فِیْقَوْمٍ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغِیْبَةُ التَّامَةُ -  
فَلَا ظُهُوْرَ اِلَّا بَعْدَ اِذْنِ اللّٰهِ تَعَالٰی ذِكْرُهُ وَ ذَلِكُمْ بَعْدَ طَوْلِ -  
الْاَمَدِ ، وَ قَسْوَةِ الْقُلُوْبِ ، وَ اَمْتَلَاءِ الْاَرْضِ جَوْرًا ، وَ سِیْئَاتِی -  
لِشِیْعَتِیْ مَنْ یَدْعِیْ الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوْجِ السُّفِیَانِیِّ -  
وَ الصَّیْحَةِ ، وَ هُوَ كَذَابٌ مُّفْتَرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ -  
الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ - (۵۵)

( بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر . ای علی بن محمد سمری خداوند اجر و پاداش برادرانت را در مصیبت مرگ تو زیاد گرداند پس همانا تو تا شش روز دیگر خواهی مرد پس کارهایت را سامان بده

و بکسی پس از خود وصیت منماید که بعد از وفات تو این مقام بر چیده میشود پس هر آینه غیبت تامه (پنهانی کامل) آغاز گردید و ظهوری جز با اجازه خدا نخواهد بود و آنهم بدنبال گذشت زمانی دراز و سختی قلبها و پر شدن زمین از ستم و بیداد است و هر آینه کسانی خواهند آمد که برای شیعیان من دعوی مشاهده کنند (نیابت خاصه). همانا آگاه باشید هر کس که چنین ادعا کند پیش از آنکه سفیانی خروج کرده و صیحه آسمانی آمده باشد او درغگو و افترا زننده است و نیرو و توانی جز بخواست خدای بزرگ نمی باشد.

#### ۴۱- وظیفه شیعه در زمان غیبت

مراجعه به نواب عام است

اداره امور را امام علیه السلام در زمان غیبت کبری به فقهای جامع الشرایط واگذار مینماید و دستور میدهد:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعةُ فَرَجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا -  
فَانَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ . (۵۶)

یعنی در حوادثی که واقع میشود به راویان حدیث ما رجوع نمائید . که آنها حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آنها هستم . و از طرف دیگر میبینیم که صفاتی را برای آنان بیان میدارد

که باید این صفات را نواب عام داشته باشند و آن صفات چنین میباشد:

وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ، صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، -  
مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِدَعْوَامِ أَنْ يُقْلِدُوهُ. (۵۷)

یعنی: هر کس از فقهاء نفس خود را از معاصی و محرّمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای نفس خود باشد و مطیع مولای خود باشد پس بر عوام است که از او تقلید نماید. و باید متوجه باشیم که افضل عبادات در زمان غیبت آنطوریکه پیامبر اسلام فرموده‌اند انتظار فرج میباشد البته انتظار بمعنی درست که در پرتو آن شخص خود را بسازد با اعمال صالح و بعد منتظر ظهور حضرت باشد که جزو سر بازان آن بزرگوار شود چون انسانهایی که با حضرت هنگام ظهورش روبرو میشوند دو گروه هستند. یا در مسیر آن حضرت هستند که آنها را میپذیرد و یا اینکه مخالف خط وی حرکت داشته‌اند که در این صورت آنها را مجازات خواهد نمود.

۲۲ - غیبت امام زمان در کتابهای

قبل از تولد آنحضرت ذکر شده

در باره غیبت آنحضرت جالب توجه اینکه اخبار مربوط به غیبت امام در کتبی ثبت گردیده است که قبل از تولد وی نوشته شده است

که برای نمونه میتوان کتابهای غیبت تألیف علی بن حسن بن محمد طائی طاطری که مرد فقیه و موثقی بوده و در زمان امام موسی بن جعفر (ع) بوده است و کتاب غیبت ابراهیم بن صالح و او نیز معاصر و در زمان امام موسی بن جعفر بوده است .

و همچنین کتاب غیبت تألیف حسن بن علی بن حمزه که زندگی وی با زمان امام رضا علیه السلام مصادف بوده است و کتاب غیبت نوشته فضل بن شاذان ، نیشابوری که وی مردی فقیه و از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری بوده است و افراد دیگر از اینها را اسم برد

### ۲۳ - خلاصه‌ای از زندگی نواب اربعه

سفرای امام که نواب اربعه نام دارند افراد زیر بوده‌اند :

۱ - جناب عثمان بن سعید عمروی که از اصحاب و شاگردان امام هادی و امام عسکری علیهم السلام بوده و از قبیله بنی عمر بن عامر بوده و از یازده سالگی خدمتگزار خاندان رسالت بوده است و از طرف امام حسن نیز وکالت داشته است و امام حسن در باره او و پدرش ، بفرزند ولی عصر فرموده : **الْعُمَرِيُّ وَ ابْنِهِ ، ثِقَتَانِ فَمَا اَدْبَا -**

**اَلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّيَانِ وَ مَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاَسْمَعْ -**  
**لَهُمَا وَ اطْعُهُمَا فَهُمَا الثَّقَتَانِ الْمَأْمُونَانِ . (۵۸)**



یعنی ، عمری و فرزندی او مورد وثوق من هستند و هر چه از من برای شما نقل کنند حقیقتی است که از من شنیده‌اند و نقل مینمایند، هر دو نفر ثقه و مورد اعتماد من هستند به سخنان هر دو گوش فرا دهید و دستورات هر دو را اجرا نمائید .

۲ - جناب محمد بن عثمان بن سعید که از اصحاب امام یازدهم میباشد و مورد وثوق بوده و در سال ۳۰۴ و ۳۰۵ وفات یافته و بیش از چهل سال نیابت داشته است .

۳ - جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی که در جامعه آنروز شیعه به عقل و درایت مشهور و اهل نوبخت بوده است .

۴ - جناب ابوالحسن علی بن محمد سمری که از شاگردان مکتب امام حسن عسکری بوده و صاحب کرامات نیز بوده است و از ناحیه حضرت امام زمان توقیعی برای وی صادر شد که کسی را بجانشینی انتخاب ننماید و جالب توجه اینکه عین توقیع را سید علی محمد باب در تفسیر سوره کوثر ص ۱۲۴ ذیل مطلع چهارم آورده است .

#### ۲۴ - بعضی از علت‌های غیبت

#### حضرت ولی عصر عج

علتهای زیادی برای غیبت آن حضرت ذکر نموده‌اند که بعضی از

آنها را ذیلا توجه میدهیم :

۱ - علت اول، امتحان مردم، چنانکه حضرت باقر (ع) میفرماید:  
ظهور او بعد از غیبتی طولانی خواهد بود تا اینکه معلوم کند که چه  
کسی او را با غیب و پنهانی اطاعت میکند و باو ایمان دارد

( لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَ يُؤْمِنُ بِهِ ) . ( ۵۹ )

۲ - علت دوم : جدا شدن و خالص شدن ( تمییز و تمحیص )

چنانکه قرآن مجید میفرماید : **وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ -**

**يُمَحِّقَ الْكَافِرِينَ ( ۶۰ )** و برای آنکه خالص کند خدا آنانرا که

ایمان آوردند و بکاهد کفران را .

۳ - برای احدی در کردن او بیعتی نباشد و خود آنحضرت نیز

در مورد فوقالذکر فرموده‌اند : **إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا -**

**وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيهِ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ -**

**وَلَا بَيْعَةٌ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي . ( ۶۱ )**

یعنی : بدرستیکه هیچیک از پدران من نبودند مگر اینکه در

کردن آنها بیعتی افتاد برای طاغیه زمان خود و من هنگامی که

بیرون می‌آیم ، بیرون خواهم آمد در حالی که برای احدی از طغیان

در کردن من بیعتی نباشد ( چون غایب شود هیچکس بر کردن او

حقی ندارد که بخاطر آن حق اخلاقاً باید رعایت حال وی را بنماید.)  
۴ - شباهت بانبیاء گذشته در سنت . زیرا هجرت و غیبت در بسیاری از انبیاء بوده است مانند حضرت موسی و حضرت ادریس و حضرت ابراهیم و حضرت صالح علیهم السلام . و خداوند نیز خواسته که این سنت در امام زمان (ع) نیز بوده باشد و امام صادق (ع) فرموده قائم ما را غیبتی خواهد بود که مدت آن طولانی باشد چنان بن سریر عرض کرد چرا یا بن رسول الله؟ فرمود خداوند ابا فرموده جز آنکه در او سنت انبیاء را در غیبهایشان جاری گرداند .

۵ - علت آن ، کراهت و مجاورت با ظالمین که امر مرغوبی برای اولیاء خدا نمیباشد .

۶ - تقیه و نبودن ناصر و معین که در زمان امام حسن عسکری پراکندگی شیعه و ضعف و انکسار آنان بیش از حد بود .

و دیگر علت‌هایی که وجود دارد از قبیل خوف و غیره که در کتابهای مربوط به مهدویت بطور گسترده از آنها بحث شده است .

و خود آنحضرت در توقیعی فرموده‌اند : **فَاَعْلَمُ اَنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ**

**اَحَدٍ قَرَابَةٍ مِنْ اَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ . (۶۲)**

یعنی : بدان بین هیچکس خویشاوندی نیست و هر کسی مرا انکار

نماید از من نیست و راه او راه پسر نوح میباشد . (پسر نوح

راهی مخالف راه پدرش را پیموده .)

## ۲۵ - سید باب هم بوجود امام زمان

### اعتراف دارد

میبینیم که در طول تاریخ ، سید علی محمد باب نیز ، نتوانسته انکار آنحضرت نماید گرچه خودش بعداً ادعای مهدویت نمود ولی این کلام وی میباشد که چنین آمده است :

يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ قَدْ فَدَيْتُ بِكَ لِي لَكَ وَ رَضِيْتُ السَّبَّ فِي سَبِيلِكَ  
وَ مَا تَمَنَيْتُ إِلَّا الْقَتْلَ فِي مَحَبَّتِكَ . (۶۳)

ای بقیه الله سرا پای وجودم فدای تو باد ، راضی هستم در راه تو دشنام بشنوم و تمنائی جز این ندارم که در راه محبت تو بنخون خودم دست و پا زنم .

حال اگر به اغنام الله گفته شود که باب چه میگوید ، میگویند منظور وی از بقیه الله محمد بن الحسن العسکری نیست . در پاسخ باید بآنها بگوئیم خود سید علی محمد باب اعتراف دارد که ، منظورش از بقیه الله ، امام زمان (عج) میباشد .

و حتی بحث از نواب اربعه نموده و جناب حسین ابن روح نوبختی را ذکر نموده و چنین می نویسد :

اگر کسی عمل کرده باشد بدین حضرت رسول صلی الله علیه و آله

در منتهای مقام عمل و اقرار بولایت اهل بیت عصمت سلام الله علیهم آورده باشد ولیکن اعراض از حکم حسین ابن روح رحمة الله علیه که یکی از وکلای ایام غیبت صغری بوده، نموده باشد. شکی نیست که عملهای آن کلاً هباءً منثوراً است. (۶۴)

و تصریح می کند که: (امروز باراده بقیه الله امام عصر علیه السلام است و اعتقاد به غیبت آن هم مثل اعتقاد بر جعت است).  
و همچنین در مورد بقیه الله چنین از وی نقل شده: لذا بقیه الله از القاب امام دوازدهم اثنا عشریه قرار گرفت و در آثار اولیه نقطه البیان آمده تکرر ذکر یافت قوله:

إِنِّي أَنَا عَبْدٌ مِنْ بَقِيَّةِ اللَّهِ، براستی من نوکری از نوکران بقیه الله هستم. (۶۶)

۲۶ - نام اصلی امام زمان را بردن

مانعی ندارد

مطلبی که باید بدان اشاره شود اینکه در خصوص نام اصلی امام - عصر (عج) یعنی گفتن محمد در پاره‌ای از احادیث دستور چنین است که نام حضرت برده نشود این موضوع را استاد بزرگوار آقای مکارم

در کتابش تحت عنوان: هَلْ يَحْرُمُ تَسْمِيَةُ الْمُهْدَى (ع) بِاسْمِهِ -  
الشَّرِيفِ ؟ مورد بررسی کامل قرار داده و آخر الامر نتیجه گیری  
نموده‌اند که در این زمان اشکالی در بردن نام اصلی حضرت نمیباشد  
و خلاصه را چنین متذکر شده‌اند که :

فَتَلَخَّصْ عَنْ جَمِيعِ ، مَا ذَكَرَ جَوَازُ التَّسْمِيَةِ بِاسْمِهِ الشَّرِيفِ -  
وَهُوَ « مُحَمَّدٌ » بِنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى اللَّهُ -  
الْفُرَجِ فِي أَمْثَالِ زَمَانِنَا هَذَا مِمَّا لَا تَقِيَّةَ فِيهِ مِنْ هَذِهِ -  
النَّاحِيَةِ . (۶۷)

و بنا بر این مطابق تحقیقات معظم له اشکالی در این زمینه نمیباشد

### ۲۷- قیام بالسيف یعنی چه ؟

قیام بالسيف یعنی چه : اینکه میگویند امام زمان (عج) با شمشیر  
قیام میکند یا دنیا مگر عقب کرد دارد که امام با شمشیر ظهور کند ؟  
و چگونه حضرت در مقابل اینهمه سلاحهای انمی و غیره اسلحه‌ای  
جز شمشیر نداشته باشد و اگر شمشیر نیست پس کنایه از چیست ؟  
ج - این موضوع مسلم است که اولاً علم و دانش انسان در حال  
پیشرفت است و عقب کرد در قانون تکامل معنایی ندارد و در احادیث

اسلامی راجع به وجود مقدس امام زمان روحی و ارواح العالمین له الفدا  
از قول امام چهارم و امام ششم علیهم السلام چنین آمده است که :

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ -  
حُرْفَانِ وَ لَمْ يَعْرِفُ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ -  
قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَ الْعَشْرُونَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَ -  
ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةٌ وَ عَشْرِينَ حَرْفًا . (۶۸)

علم ۲۷ حرف است پس آنچه همه پیامبران آنرا آوردند و برای  
مردم آشکار ساختند تنها دو حرف بوده است پس آنچه تا امروز هم  
مردم جز بآن دو حرف آشنائی ندارند اما هنگامی که قائم ما قیام  
میکند بیست و پنج حرف دیگر را آشکار میکند و آنها را در بین  
مردم منتشر میسازد و آن دو حرف گذشته را هم بآن ضمیمه میکند  
تا تمام ۲۷ حرف و همه قسمت‌های علوم در بین جهانیان انتشار یابد .  
در عصر وی يك جهش علمی بسیار مهم پیدا میشود آیا با این  
جهش علمی کسی میتواند باور نماید که بشر به عقب برگردد و دوران  
زندگانی با اندازه زندگانی هزار سال قبل شود و از سلاح‌های آن  
دوره استفاده شود و اگر چنین تصور شود که سلاح حضرت شمشیرامت  
این مطلب بر خلاف حدیث است .

پس سلاح حضرت را باین صورت میشود توضیح داد : که خداوند

بزرگ قدرت و سلاح و نیروئی در اختیار آنحضرت قرار میدهد که تمام سلاحها و قدرتهای انسانی در مقابل آن کوچک خواهد شد و شاید امواجی باشد که توسط حضرت در سراسر جهان انتشار یابد که تمام سلاحهای انمی را از کار اندازد و خلاصه هر چه هست سلاحی است مافوق تمام این اسلحهها و از هر جهت بالاتر از این سلاحهای امروزی ولی حضرت خون بی گناهی را نمی ریزد زیرا سلاح وی بر خلاف سلاحهای امروزی است که خون کوچک و بزرگ و غیره را میریزد و حداکثر کوشش برای کم ریختن خون بشر از طرف حضرت خواهد شد و اما قیام بالسیف که در احادیث ما میباشد، درست است که سیف بعربی شمشیر میباشد اما شمشیر از نظر استعمال لغت گاهی بمعنی مظهر قدرت و مظهر نیروی نظامی است مثل اینکه بگوئیم باید متجاوزین بوسیله شمشیر سر جایشان نشانده شوند که در این جمله شمشیر کنایه از قدرتی برای خاموش کردن طغیان متجاوز است یا اینکه میگویند: **الْمَلِكُ لَا يَقُومُ إِلَّا بِالسِّيفِ وَالْقَلَمِ** یعنی مملکت جز با شمشیر و قلم نمیتواند بر پا باشد چنانکه معلوم است معنی قلم قدرت کشور از نظر فرهنگ است یعنی اگر کشوری فاقد فرهنگ باشد محو میشود در این جمله قلم کنایه از فرهنگ و شمشیر کنایه از قدرت است و بطور کلی امام زمان (عج) نیروی نظامی که باید بوسیله آن قدرتهای ظالم را بکوبد و بساط عدل را گسترش دهد



در اختیار خواهد داشت و سلاح وی مافوق تمام اسلحه های امروز یا اینکه در آینده مورد استفاده بشر قرار خواهد گرفت میباشد .

### ۲۸ - طول عمر

مطلب دیگری که لازم است بدان اشاره نمائیم اینکه : برخی از افراد تصور میکنند که محال است انسانی مدتی طولانی عمر نماید و زنده باشد ، در صورتی که تصور آنها از جهاتی باطل میباشد .

اول اینکه : از بررسی تواریخ ملل مختلفه عالم مشخص میشود که انسانهایی بوده اند که تا ۴۰۰۰ سال نیز عمر نموده اند مانند لقمان حضرت نوح (ع) بنا بر مشهور ۲۵۰۰ سال زندگانی نموده و همچنین افراد فراوان دیگر که از اینگونه عمرها برخوردار بوده اند .

دوم اینکه : طول عمر از نظر علمی موضوع محالی نمیباشد بلکه برعکس مسئله ممکن است زیرا دانشمندان علوم طبیعی ثابت کرده اند : برخی از حیوانات میتوانند ۹۰۰ برابر عمر طبیعی خود زندگی نمایند و بدون تردید انسان ، در این راه استعداد و توانایی بیشتری دارد : بنابراین اگر عمر طبیعی انسانرا ۸۰ سال فرض کنیم ممکن است تا ۷۲۰۰۰ سال عمر نماید . (۶۹)

سوم اشکال کنندگان مسئله مهمی را فراموش کرده اند و آن

قدرت پروردگار میباشد و اعتقاد ما بر آنست که خداوند بزرگ  
امام زمان را بجهاتی بنا بر مصالحی که خود میداند طول عمر عنایت  
فرموده و هر وقتی که مصلحت خدا باشد حضرت ظاهر شده و دنیا را  
پر از عدل خواهد نمود .

### ۲۹ - مسئله انتظار

تذکر دیگر در خصوص مسئله انتظار میباشد که متأسفانه عده‌ای  
از آن سوء استفاده نموده‌اند و این نادانان تصور نموده‌اند که ، انتظار  
یعنی ، دنبال کاری نرفتن و ماندن تا خود حضرت بیاید و امور را  
اصلاح نماید و این تصویری غلط از مسئله انتظار میباشد درحالی که  
انتظار یعنی خود را آماده ساختن جهت قرار گرفتن در میان یاران  
آنحضرت و محیط را آمادگی دادن برای ظهور آن بزرگوار و اصلاح  
خود و جامعه را شروع کردن و بالاخره همانند سربازی فداکار در  
صحنه پیکار و میان سنگر در انتظار فرمان فرمانده بودن .

سرباز امام زمان بودن کسی را سزد که همچون کشتی که سینه  
آب دریا را میشکافد و بجلو میرود و او نیز باید نه تنها فساد محیط  
در وی اثر نگذارد آن محیط فاسد را اصلاح نماید . امیدوارم که  
خداوند بزرگ ما را از سربازان و یاران آن بزرگوار قرار دهد .

« انشاء الله »

۳۰ - اشعار درباره حضرت مهدی (عج)

در خاتمه بیاد حضرت و بمناسبت زادروز حضرت بقیه الله اشعار  
دکتر قاسم رسا ذیلا درج میگردد:

سحر از دامن نرگس بر آمد نو کلی زیبا  
کلی کز بوی دلجویش جهان پیر شد برنا  
زهی سروی که الطافش فکنده سایه بر عالم  
زهی صبحی که انفاسش دمیده روح در اعضا  
سپیده دم ز دریای کرم برخاست امواجی  
که عالم غرق رحمت شد از آن امواج روح افزا  
خدا را ز آستین آمد برون دست درخشانی  
که خط نسخ اعجازش کشیده بر کف موسی  
ید بیضای موسی کرد کوهی را اگر روشن  
جهان را کرد سر تاسر منور این ید بیضا  
بصبح نیمه شعبان تجلی کرد خورشیدی  
که از نور جبینش شد منور دیده زهرا  
امام عصر پور عسکری آن حجت بر حق  
که قائم شد به ذات اقدسش دنیا و مافیها

چه مولودی که همتایش ندیده دیده گردون  
چه فرزندی که مانندش نزاده مادر دنیا  
بصوت تالی حیدر بصورت شبه پیغمبر  
بسیرت مظهر داور ولی والی والا  
رخ او لاله رضوان خط او سبزه رحمت  
لب او چشمه کوثر قد او شاخه طوبی  
قدم در عرصه عالم نهاده پاک فرزندی  
که چشم آفرینش شد ز نورش روشن و بینا  
پاس مقدم او شد مزین عالم پائین  
ز نور طلعت او شد منور عالم بالا  
گلستان حسن (ع) دارد صفای دیگری آری  
صفای هر چمن باشد ز روی باغبان پیدا  
ولی الله با قدرت که فرمان همایونش  
چو منشور قضا گردیده در کون و مکان اجرا  
چو گیرد پرچم ( انا فتحنا ) در کف قدرت  
لوائ نصرت افزاد بر این نه گنبد خضرا  
به ختم انبیاء ماند چو خواند خطبه بر منبر  
پشاه اولیاء ماند چو نازد بر صف اعداء  
لب لعل روان بخشش چو آید در سخن روزی  
پی بوسیدنش آید فرود از آسمان عیسی

جهان پیر چون یعقوب شد سر گشته زان روزی  
که شد آن یوسف ثانی درون چاه ناپیدا  
بیا ای خسرو خوبان حجاب از چهره ماهت  
به یکسوزه تجلی کن چو خورشید جهان آرا  
دم عیسی بیکدم ساختی گر مرده‌ای زنده  
تو خود در هر نفس سازی هزاران مرده را احیا  
شها چشم انتظاران را ز هجران جان بلب آمد  
بتاب ای کو کب رحمت بر افکن پرده از سیما  
ز حد بگذشت مهجوری ز مشتاقان مکن دوری  
رخ ماه ای نکو منظر مپوش از عاشقان شیدا  
شبی در کلبه احزان قدم بگذار تا گردد  
شب تاریک ما روشن لب خاموش تو گویا  
تو گر عارض بر افروزی جهان یکسر شود روشن  
تو گر قامت بر افروزی قیامت ها شود بر پا  
تو گر لشکر بر انگیزی سپاه کفر بگریزد  
تو گر از جای برخیزی نشیند فتنه و غوغا  
بشر بگسسته پیمانی که بیدادش بود آئین  
جهان آشفته بازاری که نیرنگش بود کالا

بیا ای کشتی رحمت که دریا گشت طوفانی  
چو کشتیبان توئی مارا چه غم از جنبش دریا  
خوش آن روزی که بر خیزد ز کعبه بانك جاء الحق  
خوش آن ساعت که بر گیرد حجاب از چهره زیبا  
ضعیفان را کند یاری پلیدان را دهد خواری  
ستمگر را دهد کیفر منافق را کند رسوا  
چه دلها خون شد از عشقت چه تنها سوخت در هجرت  
تفقد کن از این دلها ترحم کن بر این تنها  
خوش آن صبحی که از بستان ندای مرغ حق آید  
چو بلبل در ثنای گل سرایم چامه ای زیبا  
سر سودائی خود را به پیش پایت اندازم  
قدم بگذار بر چشمم اگر داری سر سودا  
توئی فرمانده مطلق امام و حجت بر حق  
توئی بر شیعیان سرور توئی بر بندگان مولا  
(رسا) در مقدمت امروز اشک شوق افشاند  
به امیدی کزان خرمن بچیند خوشه‌ای فردا

ردیف	نام کتاب	موضوع نقل شده
۱-	اصول کافی - اعلام الوری	من مات ولم يعرف ...
۲-	سوره مائده آیه ۶۷	یا ایها الرسول بلغ ...
۳-	خطبه غدیر	معاشر الناس .....
۴-	سوره مائده آیه ۳	الیوم اکملت .....
۵-	سوره نساء آیه ۵۹	یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و - اطیعوا الرسول .....
۶-	دیباچه بر رهبری ص ۳۶۹ چاپ هشتم	مهدی پرستی و اکنش دفاعی ...
۷-	سوره احزاب آیه ۵۶	ان الله وملائکته یصلون علی النبی
۸-	ریاض الصالحین ص ۵۰۷	صلوات ...
۹-	ینابیع الموده ص ۴۸۱	صلوات ...
۱۰-	ینابیع الموده ص ۴۴۱	ان وصیی علی بن ابیطالب و بعده ...
۱۱-	سوره بقره آیه ۱۲۲	ربنا و اجعلنا مسلمین لك ...
۱۲-	سوره بقره آیه ۱۲۹	ربنا و ابعث فیهم رسولا ...
۱۳-	سوره آل عمران آیه ۱۶۴	لقد من الله علی المومنین ...
۱۴-	تفسیر ینابیع الموده ص ۴۲۷	وجعلها کلمة باقیة ...
۱۵-	قرآن سوره اعراف آیه ۱۷۱	و اذ اخذ ربك من بنی آدم ...

- ۱۶- تفسیر قمی جلد ۱ ص ۳۴۷ و تفسیر آیه فوق  
تفسیر جامع جلد ۲ ص ۴۸۳  
بحار الانوار جلد ۵ پیمان الست
- ۱۷- حقانیت  
لوح کشتی حضرت نوح (ع)
- ۱۸- تراث الاثمه ص ۳۰۷  
یا جَابِرٌ بَلِغٌ شِيعَتِي ...
- ۱۹- اصول کافی جلد ۳ ص ۱۲۰  
وَاللَّهُ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بِرَاءةٌ  
وسايل الشيعة جلد ۱۱ ص ۱۸۵
- ۲۰- ارشاد القلوب ديلمی  
إِنَّ مَن ادَّعَىٰ حُبَّنَا ...  
كَذَّبَ مَن زَعَمَ أَنَّهُ ...
- ۲۱- بحار الانوار جلد ۲ ص ۸۳  
طلب المعارف من غير طريقنا
- ۲۲- دين و فطرت جلد ۱  
هو الذي ارسل رسوله بالهدى
- ۲۳- سورة صف آیه ۹  
والله ما يجبي تأويلها ...
- ۲۴- ينابيع الموده ص ۴۲۳  
اعلموا ان الله .....
- ۲۵- سورة حديد آیه ۱۶  
و استمع يوم يناد المناد
- ۲۶- سورة ق آیه ۴۱  
ينادي مناد باسم القائم
- ۲۷- تفسیر ينابيع ص ۴۲۹  
و نريد ان نمن على الذين
- ۲۸- سورة قصص آیه ۵  
إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ مَخْصُوصَةٌ -  
لصاحب الامر .....
- ۲۹- تفسیر البرهان جلد ۳



- ٣٠- آل عمران آيه ٧٨  
 ٣١- تفسير ينابيع ص ٤٢٠  
 ٣٢- سورة انبياء آيه ١٠٥  
 ٣٣- ينابيع الموده ص ٤٢٥  
 ٣٤- سورة بروج آيه ١  
 ٣٥- ينابيع الموده ص ٤٣٠  
 ٣٦- سورة جن آيه ٢٤  
 ٣٧- المهدي في القرآن  
 ينابيع ص ٤٢٩  
 ٣٨- سورة يونس آيه ٢٠  
 ٣٩- ينابيع الموده ص ٤٢٤  
 ٤٠- سورة هود آيه ٨٨  
 ٤١- نور الابصار شبلنجي  
 ٤٢- سورة حجر آيه ٣٦  
 ٤٣- فرائد السمطين  
 ٤٤- سورة روم آيه ٣  
 ٤٥- ينابيع الموده ص ٤٢٦  
 ٤٦- اسعاف الراغبين
- افغير دين الله يبغون و...  
 اذا قام القائم المهدي ..  
 و لقد كتبنا في الزبور من بعد...  
 هم القائم و اصحابه ...  
 والسماء ذات البروج ...  
 انا السماء و اما البروج فاللائمه...  
 حتى اذا راو ما يوعدون ...  
 ما يوعدون في هذه آلايه...  
 و يقولون لولا انزل عليه...  
 الغيب في هذه الايه ...  
 بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين  
 فاذا خرج المهدي اسند...  
 قال رب فانظرني الي يوم يبعثون ..  
 الي يوم الوقت المعلوم ..  
 ويومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله .  
 عند قيام القائم ..  
 مهدي قيام ميكند ...

- ۴۷- ینابیع الموده ص ۴۴۷ من انکر خروج المهدي فقد كفر .
- ۴۸- نور الابصار ص ۱۵۷ تواترت الاخبار عن النبي . .
- ۴۹- تفسیر ینابیع الموده فهل للناس الانتفاع . . .
- ۵۰- ابن خلدون ص ۳۱۱ مشهور در میان تمام مسلمانان . .
- ۵۱- تذکرة الخواص ص ۳۶۳ يخرج في آخر الزمان . . .
- ۵۲- منتخب الاثر باب ۲۸ فصل ۲ ان لصاحب هذا الامر . .
- ۵۳- بحار الانوار جلد ۱۳ ص ۱۲۹ ای والذي بعثني بالنبوه . .
- ۵۴- اعلام الوری ص ۴۲۴ و اما وجه الانتفاع . . .
- ۵۵- سفينة البحار جلد ۲ ص ۲۴۹ توقيع مبارکه . . .
- منتخب الاثر ص ۳۹۹
- ۵۶- بحار الانوار جلد ۲ ص ۹۰ واما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها .
- اعلام الوری ص ۴۲۳
- ۵۷- وسایل الشیعه، ص ۴۸ و اما من كان من الفقهاء . . .
- بعضی در باره مرجعیت
- ۵۸- تنقیح المقال جلد ۱ - العمری و ابنه . . .
- وسایل الشیعه جلد ۱۸ ص ۱۰۰
- ۵۹- مهدی منتظر نوشته - لیعلم الله من یطیعه . . .
- آیت الله خراسانی

- ۶۰ - آل عمران آیه ۱۳۶ ولیمحص الله الذین آمنوا ..
- ۶۱ - اعلام الوری ص ۴۲۴ انه لم یکن احد من آبائی ..
- ۶۲ - اعلام الوری ص ۴۲۴ فاعلم انه لیس بین احد قرابه .
- ۶۳ - مقاله شخصی سیاح یا بقیة الله قد فدیت . . .
- ۶۴ - صحیفه عدلیه ص ۶ اگر کسی عمل کرده باشد بدین ..
- ۶۵ - صحیفه عدلیه ص ۲۸ امروز باراده بقیة الله امام عصر (ع) است ..
- ۶۶ - اسرار الآثار ص ۶۸ بقیة الله از القاب امام زوادم ..
- ۶۷ - قواعد الفقہیہ جلد ۳ هل یحرم تسمیة المهدی (ع) - باسمه الشریف . .
- ۶۸ - بحار الانوار - الزام الناصب - ص ۲۰۳ علم و دانش ۲۷ حرف است . .
- مجله الهلال سال ۳۸ طول عمر ..
- ۷۰ - دیوان دکتر قاسم رسا سحر از دامن نرگس ..

این خبر از مجله نیروپ  
 کز دل خاک ضمن هفتی  
 شوروی کرده آزمان حاضر  
 باستانی شناس هر کفور  
 آنچه زان یافت شد بطور وضوح  
 چون خطوط کتیبه اش خواندند  
 که خدادا بیخوانده حضرت نوح  
 به محمد بن طاهر به علی  
 که نجاتش دهد خدای جهان  
 تا شود نزد اهل دل روشن  
 هم شناسند صاحبان عقول  
 آدم و شیث و نوح و اسماعیل  
 خضر و الیاس و صالح و جرجیس  
 لوط و اسحاق و یوسف و یعقوب  
 زکریا و یحیی و موسی  
 همه اندر مقام عرض دعا  
 کالین خلق خالق ازلی  
 بعد از آن یازده امام هدی  
 گرچه بودند جملگی یک نور  
 آخرین اوصیاء ز نسل نبی  
 حجت الله و قلب امکان است  
 دل اگر پاک و دیده گرییناست

منتشر گشت در بلاد اروپ  
 کشف لوحی شده است خط کاری  
 کاردانان عالم و ماهر  
 داده تشخیص باوقاف نظر  
 بود الواح از سفینه نوح  
 معنیش راهمه چنین راندند  
 باسامی پنج رتبت روح  
 به حسین و حسن دو محیط نبی  
 حق آن پنج نورش از طوفان  
 حرمت حیدر و حسین و حسن  
 جاه و اعزاز مصطفی و بتول  
 هم سلیمان و هم شعیب و خلیل  
 صادق الوعد و داود و ادریس  
 هود و ذوالکفل و یونس و ایوب  
 انبیاء سر بسر الی عیسی  
 متوسل شده بآل عبا  
 نور پاک محمد است و علی  
 همه از دخت مصطفی زهرا  
 چارده گشت در مقام ظهور  
 کز نظرها کنون بود مخفی  
 کز پس سترغیب تابان است  
 همچو خورشید نور حق پیدا است

(واحدی) نور مهدی موعود

حسنت در چشم پاک دل مشهور

حضرت مهدی (عج)

وَإِنِّي أَخْرَجُ جِبْنَ أَخْرَجُ  
وَلَا بَعْدَهُ إِلَّا حَدِيدٌ مِنْ  
الظُّلْمِ اغْبِثْ فِي عُنُقِي

و من با خواهم خاست

در حالیکه پیمان بچمیک از گردنشان برکردم

نیت . بحار الأنوار - ج ۵۳ - چاپ جدید

فَلْيَعْمَلْ كَأَمْرِ مَبْنُومٍ  
مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا

پس هر کس از شما باید

بوسیده آنچه به دوستی ما نزدیک می گردد

عمل کند

بحار الأنوار - ج ۵۳ - ص ۱۷۶

وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ

و همانا من برای مردم گمشدنی مان از عذابم .

بحار الأنوار - ج ۵۳ - ص ۱۸۱